

«امیریالیسٹ آمریکا»

بی کمربنایان بین روز خلخال هاراد چارلاگت خواهد کرد .
لئن در زمان تدوین احاطه رسانی می ساخت کامیرون می سرمه باشد
در حال احتصار زود رحال گندید کی است . با آنکه من خود من میست
می خواهد خود از این میان غذا نهاد . حمله کرد را پایان دنیا کش خواهی است . لای
علاء پسورد برگذاشتند . بعده می خواهیم است که ستوان از اولین امیرها
چنان ایسم امیر کا و خمامیر ایسم تبریزی و خوشبخت کرد . به هر چیز
جهت شرایط تابعی برای ستوان ایتم آماد مانت و اغلاط پردازی کرد .
پس از اینکه ستوان ایتم را بخواهد بخواهد .
اما اولین که خواه ایران تیوری شد نهایران خشی می گردید جیز
در یکی است بعتقد و آنها امیر ایسم را در حال اول است که از زبان
خود نسبت به میانند . در راه بروی استناده های بزرگ این موضوع قریب
خود را زد ستد از مانت . آتشنا رجیش مالتی برای مقدیر ماند که
ماحتی این امیر ایسم را کرکون گردید . می خواهد مانند که
سیزدهم تیر نظر شش ایفا کنند و حق پسورد را بخوبی از این قدر از بد شدم
اما نهاد ریزک ، تو شسططیلی ، در ده مدون از حضوریات در هزار شاه طبقه مناطق
در مرحله احتصاری آنست . این حضوریات در هزار شاه طبقه مناطق
میرست و تا اینکه ده هزار آن خواهد بود . زاده شدن لیده اند که
امیر ایسم های ایکلیس ، فراسمه ایسان زاین . در شنیدن کی که شنید
خود را از سر از داد ماند و امیر ایسم اینها با گیری است . اینه نفعه
نمایت از دست آنها می خواهد و سازد . معرفت امیر ایسم ایکلیس
با آنها بازی بحق بلغمیر می خواهد و از این ایمیر ایسم رساله ای
ده نهاد پسخانه مصطفی ملک در . رساله ای ۵-۰-۱۰ احصار علی از
بعد از علیه عهد و چین و احراز ایند . امیر ایسم آلمار و
امیر ایسم زاین . از این میله میگند . و رجسترو این مناطق بسیار
خوبی می شاند . امیر ایسم اینها زاد روا برازش تکه هایی دو م
بر جد از اشاره اوت مطلع بود مانت . این امیر ایسم هایه نو سود
حسین های ایلان می خواهند مل می شنید مواجه
بعید . رضمه ۶

تشیت بهای نفت

در شرایط تنزل مداوم ارزش دلار

نشیبت بهای نفت از ایجادت از ای اعیت است که کسری موازنی بزرگ اخت های امن کا انسال همچنان و از افرادی با خانه است، ان کسری موازنی اگر رسال ۴۲۱ و تزویج یک به ۶ میلیار زرد لار روز دنی سال گذشته به رقم هشتاد ۷۴ میلیار دلار لار رسیده، کنترل نیازها مانند طرور عدید ناز دار و حامل سرچ شتم مسکنبرد، تحت تقدیر رضامه ۳

سازی یکشنبه ایران مراتب خد تکراری خود را در رکار کامپیوچر
امنیتی که بحای آورده در رکفراس اولیه در رکار اکس ساییده و رکار
عمرستان سعیدی از تسبیت و انسداد سهای بفت ملایل مراعی سیال
دانسته اند فاچرک . ۱۷۸

پیش از تختیل گفراس اکبرت اعماقی اولیه سرآآ بود که
در رقبا تنزل بسیار کمتر از بهای نفت باید افزایش باید . المعاونت
همیشه بر سرمهیان افزایش میان اعماق اولیه توافق نظرخواه و دستگاه
ولی پیش همین میشند که افزایشی بضمیران همان دستگاه صورت حواهد
گرفت . مسافت ریزی همچویی و زیرگلایه کشور خاری اولیه نیز از همین
میزانی حکایت میگرد . اما این نفت عمرستان سعیدی میاند گفراس
و وده مضره از تسبیت قیمت نفت نفع میسر و این باره وسیلیتی
کشند اولیه کمی ایران رانینه رکار شد و می باقت . ایران و عمرستان
سعیدی به شناختی پیش از همین ارزیابید نفت اولیه را درست را درد
و مستوانند هرگونه افزایش بهای بفت را که خلاف تعامل آنان باشد
حقیقت گند .

بدین تسبیت اولیه بازنشسته که همچویی امکن پرسا افزایش

ویرایش اساسنامه و سیاست‌بند سال عریشان معمود رفاقت: مطبوعات
مزد ویرایش اگر رک شده افزایش بهای نفت را تنشیه پیوری اولیه
مزرقیر شاهنشاهید استند امروراً انحراف مهای نفت را پیوری ای
ایلک بازهم پیشتر شاهنشاهید اسد اوین درست است شاه
در رخیافت بختلک ایران همچشم پیور است اگر خزان مزد سلطنت او
بک روی هم رسمی ننمایند.

تبیین بهای نفت از ایتحابت ارادی ایست که کسری
موازنۀ پرداخت های امنیک اساسنامه بیشتر و افزایش پیغماشت این
کسری موازنۀ اگر رسالت ۱۲۱ تزدیک به ۴ میلیارز ای ایزو دن
سال گذشته به رقم هنگفت ۴۷ میلیارد را درست: کنترل توزع ازمانیک
طريق عهد تازه و حامل سرج تمهیکرد: تحتست **لئید رصدۀ**^۳

با قویی این مطالعه از استبداد و استغصان میتوان مظاہر استبداد و استغصان را بآنداخت

«دفاع از حقوق بشر» و آثار آن در ایران

به آن را حافظت کرد و درین حال از آزادار بیهاده مکرایتی و هغتفقی انسانی برخورد نمود. مردم همه متأذیه از آزادار بیکنگی خود را استدیه پنهان نهادند. استقرار آزادار بیهاده مکرایتی را کیمکار و درین پیش از آن از دوست ندان ماین میانه زده هگزهزا بینست که بکید خانی از مرد آنچه میداند آنرا بسیار بزرگ نموده است. آکرا باز جملون اول، به کم درجه مؤمن مرد ماینرا تویستانته از همان آزادار بیهاده دست و پیا تکشته قاتین اساسی بخورد آن باشند که ایلایران را آینده تیران بدان آمد بست. اخینا قاتین اساسی در ایلایران موزن مصلحته جنگ بستن پرخوالات عظیمی است کطیع هفتاد سال که شد رایران و جهان برق پیوسته است، همین شیرینی انتقامی نمیتواند احیا قاتین اساسی شرطیت ایلان را در درستگاری خود قرار دهد پایا الاحیا قاتین اساسی از جانب هرگز و همینروی که غیران شدید از رسازتر را آید ۳۰ موزنید و پیش را رجارتیوب قاتین اساسی بازگشتند و بعقب است و همین شیرینی انتقامی و حقیقت نمیتواند به چیزی کمتر تن دارد هد ». (قطان نثاراء) (۵۱)

البته آیند ام میتو نیست کما باز از پهلوی دستگاری نداشتند.
من اعتقادم است اگر آزاد بپایی را موزانیک طبقه کارگروه حزب آن
امانان میدند هدف قیامت خود را زمام زینه باشترانند، هرچه
بینشیدند عما را شکل سازند و بیویت باشند همان اگتره بخوبی داشتند
که ایند بینشند کوتاه امکان میدند که از این طبقه کارگروه را سینه خود را
شراب طبله مساختند تا بیمهایند. طبقه کارگروه اینقدر آن این روزه
هرگونه آزادی هر اندازه شهیدیه هم گهی است اثبات خواهد داشتند
و از آن برای این شکل بدوی مطلع فعالیت اینقلاب خود باری خواهند گردید
اما میباشد طبقه کارگران این طبقه از آزاد بپایی را موزانیک فقط بخوبی از میان
ایقلاب ایخطار تصریف قدرت سیاسی است آزاد بپایی سیاسی
و سخت و امنیت هرچه میباشد تحصیل فنی باره ای اینقدری او است.
طبقه کارگران آزاد بپایی را موزانیک ابراهیمی مسیل و متوجه میزد
بهره مندی کردند. بد ون آنکه آنرا اعداف میبازید احتجاج قرار داد پسر آن
بستانه مرجله ای که کویا پایه برانقلاب چند پاشت پنگر همانطور که
از خود فروعی استفاده میکرد. بد ون آنکه میبازد محدود رایه تحمیل
روغیم اجتماعی سه دسته است. اینکه کار آزادی سیاسی قلل از همه
و سرحد است نایق بروز از است وصیها را کارگران را آسان نمیکند بلکه
نقطه... فقط شرابیت میبازد... با خود این بیوی از این مسیل

راغوت نود مهای سرد م سبازه سخاکریزند. مکون اسماں اسکے
همانیا پارگرد آئند. نود مهای عقب معموت آنها به روش گرد آئند.
از سیاره و انتقالی و بالمال حفظ وضعی باست که دعا مثال باشد نور

ایران برای امیریا مسم امریکاییک مرکزیتیات استانه شهاب
هم تامین سوخت که تیاری بدان سال بسال افزایش میباشد
نمثیه از لحاظ اقتصادی که در رفع بحران اقتصادی، تسلیم ازان
استفاده میبرد بلکه از لحاظ سیاسی و نظامی دستنطیقی که میباشد از
د منظر سویی امریکا مسم امریکاییک میباشد یعنی هیچ
کشوری نگیری نمیکند که در ترویجه برای انتقام از طامش
مشترک سیاست پیگیر نشود. بازیونه همین نکات استکدرا که ترور هزاران
گل غاصق و شریعه زانی آد میبرد و توکوئی و زایران مسئله تقدیص
خشش و حمواش حقوقی خلق های آن مطلع نیست. دکارت روزگار
در تهران این بستر را بازداشت که درین شاه بفال مراجعت آزاد بهای
د میگرداند و بازداشت را به حقوقی بشر از اعشار مرد برخورد ارادت.
اور رسمندانی خود را صرافت نمیکند از تعبیر اینها بعنوان
مفرد ی خود تهدید و رست بین و تخاصم "نام میبرد تکریم گذاشت برای

اوشار از احترام و شفق و ستایش اند. بدینهی است چنین مردم که مردم علاقه و ستایش مردم است جگونه میتوانند ناچه حقیق بشر و آزاد بپایه دوگراحته باشند. کشور رستایش ایشانه مردم سیاستگزاری عجیب خود را ازدواج آنچه پیش میروند که انسان هی اختیارهای بین فکرها می افتد که تک شاه را راهی کنند تا کوئی موجودی کاربرد اسرار کار آورد و

و با توجهی سیاست شاه است و نهایا مکن !
با آنکه کارخانه رکلا قات خود را پیران افلا سختی از تعش
حقیقی بشرد را بران بسان شایرور معدنک شاه مید آند که کار ای
راماید تسهیل کر و اینجا هم ممکن است ظواهر را حفظ نمود . این
است که تنان اند از که برای روزن قابل تحمل است و چاره سوب
این تحمل چندان فراخ نیست - برای راد و به درصخمه *

گفایا ز... به یه مازصفعه ۱ روزنامه "راهنمکن پیشت".

نوشت و تعریف از حقوق پیرش رواند و صبح پیوست کند ماهنامه
کرد. در غایب از حقوق پیرش نهادن بایه سیاست امریکا کارگردانی
گذاشت این سیاست امریکا کارگردانی کارگردانی شرکت های
گذشت این سیاست بشاره روز. هرچنانکه این شرکت های منافع
امیریکا همین کار و هزینه که باشد رضامد اقتدار نهاد
است که اولیت بد ایمید. اماکن امکنی استشکه مناقب امیریکا
امیریکا رضامد با منافع علیق و در توازن با منقص خشن آزادی و م حقوق
منافع ایجاد کرد.

اینها همه اند بهیهات است. معدّل را برای آن تصحیح کرد و گروهاتی برای استغفار آزاد بهیهات موزکتیک و اختراعیه حقوق پردازش خشم به یاری امیریا لیسم امینیا در رابطه با آن، به دستورات و اوامر شاهنشاهیه و دخنهاند. آنها برای قوت بخشیدن به مطالبات خود بعثتین اساسی شرطیت ایران استناد میجودند که گوایا برای آنرا عیا کرد و به عنوان تأثیری برای بخشیدن استناد به قانون اساسی را رواج معنی حقیق شماره کنند شاه بايد سلطنت گذ و نمکوست.
آنست تحقیق موقد رخشوند را پیگیری و راستدار غیر امانت خاط خاط سلطنت و دام نشکن و فاسد پهلوی است. اساساً برایران سلطنت سلطنه امیریا لیسم امیریا طبقه حاکمه و استنادیان در رشری که نیروهای اقلالی این به براند اختن سلطنه امیریا لیسم و زین سامه سلطنت کمیستهند، مکرر ولی متواتن سرگار یا بهید که نیز سپریت زین فاسدیت شاه علی کرد یا اگرچه کرد و آم بیارو؟ تحریره تاریخ کوئی مامیل نمیزد که نیتوان شاه امیریا لیسم طبقه حاکمه و است

را برای حمله و جرید کردن رقای خود آماد می‌سازند، در هنگامی اینها
اینستیت همانا باید کار و قوانین تعاون و خود ندارد، امداد لانه و
امر غیر عادل آن محدود نیست، هر دو طرف به نهاد تأمین می‌بینند و
از مرد که آشنا فاع می‌کشد عار لانه نیست، آنرا پرداخت می‌ساخت
تو سه طبقه و آرستانه اعماق را کسی با اعمال می‌کردند با وسائلی دیگر
نهاد می‌کردند.

راگیرد بایانیک از آنها پیوسته باشد. هر وی آنها بطریک سار دشمن
عدم ماند. در حرب ایران خلک هیآن امین الیست هزاره ۱- ۱۹۱۴
لئنین سیاست واقعی پرولتاریا اسلام را داشت که بایانیک به تصریحات
متعدد در رال علمی هند این چنگاری بمعنی کجا طنز آزادی اجتماعی
تند پیل نمود. آن ایزامی کند رحستجوی آن پویانه که به منتهی رایین
حتیکسان شمالها که اینکه تجارت کار است و که امیک حظر نباکسر،
در شوینیسم فروناهادند و همچنان بین الطی پرولتاریا بخاخت و وزیدند:
اکثر امرور از احرار مارکسیست - لئنیست به این اندیشه "واحی گرفت"
اینند که هرچند حقیقتی در جنگیکی بر میان امین الیست ها همراه
یک دشمن عده موجود اور کلطفه کارگردانید علیه آن و رکاره قبض
این دشمن فرار گردید، آنها همان انتقاماً میگذاشتند از اندکار چویل
که این دشمن بی نیکت انتشار سیوسیانیا و متشنج کردید
شیوه اینیست که تزی اسلامخ فروتنی و افول امیریکا که شرور
بدنالت شدند ... سکون و قطعیت ... داشتند ...

سکه های ارز پیشوا بر پیشنهاد عقد و رعایت این مراسمه است که
وحدان انتقالی آشنا را که توسط سوابه استخراج و شووند گردند و
آشنا را مستراتیونی می کنند و بلوک تحریک را که عده است کرد آن دارد. آن
با صلطان نکی که روزی بونقصم شوری به خوش های آزاد به خوشی
میرساند و با صلطان حواس او به شفتش زانی در رصدنه همان
کنونکار کولین انواری ستادبهند، هد فن فریقین جمله ها است.

کردن هوشیاری آنها و تسهیل استخلاف برآورده است. تکمیلی
ازد و از رفت به عنای که باشد، بازد اشتمن بعنای صلح
حربانه آنها بفرهنگ این امریکی ارائه دوستیانه باست بدگان.
متحدد شود و در هر آنها روزگار سخنگوی تینین اشتباهاست. در
شدن از اصل مبارزه طبقی است، پیشتر کردن پنهان‌لای و فروختن
در پیانلای اپورتونیسم است.

۱- افول... بهیه از صفحه ۱
شد مانند ولی بنشست کن
در زنداد مانند ۲- بی آزار نشد ماند بهد و سنان خلی هایم تبدیل نشون
همه آنسا بدین استمناً به متوجه عطاطلین گراشی ارتدیک را در دل بپنهان
خود ر رجستجوی شیرینهای استعمال زدن را نداند.

این بیان از میر کارل روند تمن سنتکو است نه رترکل خواست
بگو ای سینه چون رسمن آزار و استقلال می باشد با استفاده از
بسیاری از علموریان و پژوهشگران این تغییر را در کشور و جهان
بر اساس کارهای انسانی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی

شروعی سد نهادنی میگیرند که اینها به لیسم منکار رجوعی داشتند و سویاً اینها بایستی خود را تحریر نمایند. ولی آن دلایلی همیز تجاوزی کار انجام نداشتند که اینها به لیسم پنهان تغییری ندانند. سه مکار

موضع ند اغنبی اغلب بک شنکل دارک و آماند کی برای تجاه زیر آیند ماست
و اندکی این شناور همچشم برای رما قرار مکنید: چونکی رها و رسی
در این یکای لاتین، چون در منطقه افغانیوس هستند، رحال تعریف است
چونکی فرمادن همی انتشار طالع از پایی عربی را در

چهار چوب پیمان دلنشیک شناسی بر عهد مادر ام
روزین است که کابین امیرالسیم امیرکا است صریط رزیمه های اختیار
نظر هاشمی کمالی بزمی از این کشورهای از آن، مراد از این جنگی بیش
از نیمه هایی است برای از زبانها و دشمن عرض یافته اند اغصی بلکه کشورهای
ارتشیان را نیز با خود از بحرا طلاقهای رهیجان، و درست در
حال حاضر امیرکا را درین میانه قدرتی سیاسی است بدین جمیع هیچ
کشوری میان از امداد را من را درین شکد / هیچ کشوری با چنین شدتی

سنجابی اینها حقیقی را تأمین نمی‌نماید. ناچاری این ماست بسیار نیز و نیز این سلاح با پروردش کارکردی می‌نماید. این فتوپرورد بطور رنجبری تولید شد. اینچنان شوربی نیزه موتو منابع سلیمان حبود را موسومی نهاد، افرادی که با این سلاح خود راند رفته فوق العاده رسانیده، برگزیده اند و مونکه‌ها بی موذن بالا لاهک هستند از افراد، انسان و سلاح های نغوص خندنی برای گشتار جمعی اختناع کردند ماست واقعیت آنست که امیرالاسیا امیرکا و سویتاں امیرالمسنه و سرای سرگرد کی معوقات شد بدی موچانشانه و دوچرخه‌نارما برای ازدحامی بینند. هر چند آن را وینکوند مواضع ستراتیک برای بحربه داشتند و روزی از سطاقی روپه هستند که تعمیر شدند و سرمه زدند و در روزی دیگر اورانکانها، امانته‌های آشنا اساز مغلق های رجروند کردند و استعفای نظریانی دیگر را آسیاوارد می‌آورند و در برای عذر قبار و استیلا حیوان آشیانی ایستند. کاهی آشنا مسحور و این را کشیدند و آن را مستقرشد ماند بیرون ووند ولی هرگز کعبین علیت داشت از مقامه سیاحد بزند استهاند.

هوار از اراس شوری سعد سپارای تا بید ر د لال ۱۰۰۰ امیراللیم
امیرزا، سرتی رو سپیال امیری ایستاده و بروی از رئیا همینه ها برجسته
بکشید. مسلم ایست کسرما پدر از طوفان اموروں رشد میشد و در پیشنه
نمک است پیوسان امیریاللیم شوری بر امیریکا بیفت کفرد. ولی حقی
بیست کنندو شوری بر امیریکا اکنون طوفان طبله بر امیریکا ائی هاست
کرفت عالم را. باید پار آر پرشید کفرنده عطیم اتحاد شوری شیوه اخنلا^۱ آن
در روای است که کسروی سپاهیست بود ماست. از زمان کما همیش
آن امیریا ایستی بود. موrus حارچی آن اوپرایت یافته، برای رشد تولید
سمرا بهای خارجی به عصری گرفته و تحرارت حاره هیش بر اشاره از این را
دلات مسحیت آسیب پر بید ماست. شک نهیت کما و کوشیده ماست نفو
بود را توسعه دهد. متعدد س خوب را افخار جود بدل تکر کرد میباشد
طوفان سپیال سلجمی فروشنده، در رحاح برای شامیں سود حد اکنکه^۲ ای
بیکشید. اما این سوچ رشد در رست بیکی اعوامیل گند بید کی سیستم ایست
مریتات ریسمیت اساسی اقتصاد، در بحیر کی تولید، در رصمه مالی
تکنکولوزی سرتی و هراواس دارد و راجه از زیار حایه میروند ظاهی
و شهزادی غلبه سیستم.

رسروی پیش کار امیرالبیستی بر شورهای بدیگر یک عامل حینک است پیراهن این کوشک را تعمیم مدد چهار سوسو گوشی است راس راسز فضیل از طرق زور میتواند نایمی کند مسلم است که اندل شورهای مدعا اشتباهی بر جهان است بیان است اینها حقیقی میباشد وحد ایاعلایی است اما امریکا امروز همین روز از رسماً امریکا

مشت .
جهت اکیرغنس شوریه با موقی شویند بر این مکانی ها سبقت یابند
اینکار مسیو زدن به تحاویز راه رفاقت همای و درست خود گیرند
یا تنهای رجای خواز جوون تنهای خواهند بود آیا آنرا کانیز رسی استقران
سلطنه جهان نیست ؟ کشورهای امیر المیتی (وسطر عده امیر مکان)
رسی اینکه اینواعی که در احوال خود از زندگی فاع میگذشت خوا

امروز به برکت ربیم شاه چنین کار رعایت جسم موسیاتی را زیارت نمیست و نصیوانه باشد. طبی سالهای اخیر اگاه اینجا و آنها بر اشکاه و اشکه و اقسام منور و اشکاهی و اشکه مسازی چنان رواج پانجه که همان ماست حلمه های قبیل هزار بیره هرگز ام داشکاه باد اشکه خود را بدان انتمنند. این تموسات علقمی مد و محنتی است، فقط طرفی است و یام و دریا است که ربیم حد مذکور از امیریالیسم را می آزادد.

وکیلین ها اقوف را تامیر خواهی این برای رانده کوره نهاده اند. حالا قرار
سرمه هار از زمین سازی است و تراست کل ایران میزدگشت معمراه است.
اینها حربیان مقاومت های صورت معمولون را آمد ماست زیرا که زرمه ها
در معاهده هزار کاره ای این دستگاری را در روزهای میمه عقاید اتفاقی دارند.
نظماً همچنان و فیض معاشند آن خود را در روزهای میمه داشت. آنها مسلسل
است که نایابین میزدگشت معمولون بفرموده اند. همه ساله میلادی همان لار
در آن ده ایام را میزدگشت میباشند تکنولوژی توانست آجات کر که میتوانند
رشد اعتماد پروری های اداره ای را میتوانند بدآورند.
تشکیلی وارد اکنون که مخفی شدن ای ایران تیپت عامل
اعقاد شناسی، اعتمادی، نظامی و فرهنگی آنست. تبارانی که در
شوریاز پیش میشوند از این باید فرمایش ای ایران ایزیشتر شود
خوبی هم میتوانند میباشند ای ایران تکنولوژی هایی میباشند که باشد
در گروه ایزیکوی رقیم شاه و در یعنی تکنیک و تئوری هایی میباشند که باشد
اینها میتوانند ای ایران ایزیکوی رقیم شاه و در یعنی تکنیک و تئوری هایی میباشند
اینها میتوانند ای ایران ایزیکوی رقیم شاه و در یعنی تکنیک و تئوری هایی میباشند

گلولویز ... به قیام صفحه

سازمانیت صنایع غذی سفیر امانتی ایران نامه راجحه
سازمانیت به بک پیچ مهر و پسته است که اگر اینها را ای میری
بر این آن اشتغال تزیید عزل خداحافظی مخابع مکرر خواهند
نمود. نیز برلاف اینها شاه نگران از این صنایع غذی^{۱۰}
نه میشون. صنایع غذی فارزینیت نه یعنی نایاب مهر و راک در گزین
رسانه به آن مستکی اند از این تولید نگد.

امیدالیم همچنانکه روز گشته و تکلیفی مودر از انتخاب
را، گذشت که شنید اینها تقدیر میکردند. اکنون هفتاد سال
گذشت که باید اینها را برای این میکردند و لی مفهوم و قیمت های
برای این منابع در انتخاب اینها بست. و همچنانچه عجیب است که
رئیسان خارجی تباران ایران را بشناسند مازاگو روی
ساطر عارضت: سرتاییدگان اری زر همه را بینند و متحمل شود، هاو
گفت و پیش از ساطر عارضت سریع طبقیش آن جلوگاهد. روز چهارم این
الود شدم و رشت امیدالیم اینها از این میان برای همین عذر داشت. سه
پیش و صحن روش است که مانکنکویی عرب، شنید رئیم استعمازی
اه میتوان اصحاب سلطنت اینجا کرد. ل

تکلیفی تئاتر مسلتم اتحاد نیوکریک و نیویورکی را تئاتر تئاتری نامیده
لیکه ایجاد آجنبان تکمیکه ای است که راهنمایی با خارجه نمود
با وضع اعصار و قدر هنگام استطیرانیم نیاز نداشت به این حاجه
بناشد. لئنه این نهاد معلم بست که میتوان میان از استواره
می رویی و میگران جسم پوشید وی باشد تکمیک را برگردید که این در
نیویورک بخوبی، تئاتر اسلنکیت کی ای اکسپریز. میں ایچ جی
میکی، را اگر فهم داشتم که برای اینکه مردم مسلط شوند و توانند روزانه
سینماها را راه رفته باشند، اینها را زیست میگردیدند. اینها را زیست
منشود اینجا بالیسیم و تیزه اینرا ایست امی با ایکنتر- سخن و حیال
نمودند.

Digitized by srujanika@gmail.com

گریزه های مسروت بر این پیش لذت برخیر می باشد میتواند از میتواند در نتیجه گیری رسید :

یا ملکار کیستہ بگانہ میاز سلطان رضا خان موسیٰ احمد
کریم و دارالصوت بے ازاری سہابی مانندی کی اپنی طبقے کے
بارے ۱۵ انسان سهل میکن تکامکر۔ موسیٰ احمد مکار تھا پس بندی
ارن۔

یا به کارگرسته آنسا بروجور کرد، اسماو که از طبقه
حاصر پیش از همه نجیبود، چیزی بردار نکرد و استد عذر، اسماو
و منته با قاطعیت مبنظر میتواند علیه استد از این قیام بخوبی، اما
در بعض حال شاید منع است گذاشت که حکم اخراج این کند بیار
که بالای این زندگانی شدید که میتوانند درین ریخت عصمتی همچه
خلق خلیه استد از آنکه کوئی دروزها زیر یارا میگند.

15. *Leucosia* (L.) *leucostoma* (L.)

تثبیت ... بقیه از صفحه ۱
افزایش واردات نفت
علی رغم برناوه از صرفموقوی کارتهای فضای رکنگر امریکا را که ماند است
در مواد رات زایین به امریکا پذیره شده بگزینند کشورهای

امريکا جنوبی شما با قرقاچان میباشیم امریکا شما روند آمد .
برای عقاقد پا بوضع چشم اختصاری خود اینها بیلیم این میکار
حمله پادست حد متکاران و قادر از جواد ایران و ایرانستان سعدی
از افرادی بهای نفت طلکر گرفتار است و ایران مستقر نشاید لایرا .

ایزی که مانند والی بود سرتیای اکتصاد جهان پیچیده شد تا زلزله
تنزیل ازین راه لارسالها است از اینجا آمد و آن میکانه تخته ای از
برای جلوگیری از آن بسته باشند آیزی بر عکس همه آن باریم در راه است
میکنند که بعدها دامن میزند. گاهی با تکاکی گشتوانه های معمولی همچو
کسر هایی مانند زاین و آمان عرض مخواهند شد و همچنان میگذرند میگذرند
د لاریون کاتی از تزلیل پیشتر از زریان گلوگیری نه خوبی یا این آمد از این
د لاریون کاتی از تزلیل پیشتر از زریان گلوگیری نه خوبی یا این آمد از این
محصولات ایزیان یا آلان عرض میگذرند امیر کاتیان بجای حمله
مار رات امیر کاروقی میگیرند. همچو این زیر نهاد رات نهاد رات نهاد رات نهاد رات

ن ایهود اسرائیل کا نتیجہ و معرض طور قرار چکدید. سرمایہ برائی را بین ملینوں شعبوں، نیایی سروپا بعد اسرائیلی یعنی بالا گئے ملٹی ۲۸ ملیارڈ لار یعنی لاکھ سو سو سو روپے رکھنے والے مقابیے پاسال ۷ بیسیوں درج افزایش شان چکدید. کسری مواد زیر ای امر کاربر قیامتی این سال کے شرطی تجدید و میلیارڈ لار بیوں باست تزریق ہوا ہے لیکن ایسا ملک اعمال فنا پر اعتماد کریں یعنی ایسا ہے آئینہ میر دی پکڑ کوہا ایسا مست مواعی ایک کمکتہ تزاری ایضاً ایسا میر ایکی یا این آئندہ ایسا

بیویتست و رشن ایڈیشنل بیسیا بیکے ۱۰ ریز لے راست کھٹا مایہ را
ہوان ارثیتیت و احتمامہ بھائی افت میکردن، بھائی بیویتست چھبڑو میوڑا
قدرت خیریت دل را ہاری تفتی قدر دی مقامی سماں ۲۱، ۱۹، ۱۷ ایسا
پائیں آمد ماست (لیموونڈ ۱۲/۲۲)۔ بعد می تفتی امینہ النعم
امن کارخانی خرد بخت این باد جیسا تی پیروست کھٹکو شتریں پوہنچ رسو
سرا بقدر مددھلات خدی بستی بستی شستان و اسی است

امیر بالیستی مار سنت اشام حمامه تعلیم پوشاند

نشیبت و اندیمان بهای نفت که در حوزت اپیسالیم امریکا
صورت گرفت انسان را بازیگر انتیمار افرادی بخواهی بخواهی فتی در
کذب شده بی اند ارد کنکار نشان از آنرا معاوضه شد که باید نفتی را
وید اند. بد و راقع هایین شرکت کار از بالا رفته قیمت سفت توره های
کلائی بورند اما امروز هم آنقدر رسربایان است که هیچ پسوردی
مهم اردا نباشد بازیگر هایی ، ذیر نفت عربستان سعودی

این سفروال و از هر ایزراویک اردیه با خلیف کنستانتین پاولس که شنیده ای
نفتی هنر المطلی سرچشمه واقعی انتحار مسیحی بیت د رزمیان

شایعه را در کنیه و استقلال اولیه، را با اطمینان تایید نموده اند.^{۱۹۲۳} هرچند مدتی پیش برای روزی عرضه شده اند.^{۱۹۲۴} هر دو این نظریه ها بتوانند برای این مسئله معتبر باشند.

این نکتمراههای آوری کمی کامن جدا و متینیت پهایی نفت پس از
رهانی کشورهای امریکا بیست و را تحلیل می‌نمایند که از زیر و دم
اقتصادی گشته و روابط اقتصادی کامل با شرکت سد نیا است. چون اگر
صحیح است کسری‌سال امیریکا بیشتر شرکت سد نیا است کسری‌های
گردید و در نیای سوم یک اتفاق تجارتی و زیست‌گردان است آنکه اینها و
در دو یعنی هفتاد و نهایی امریکا بیشتر عرب و حتی امیریکا امریکا از
گردید و لوله‌پارهای این سوم یعنی راهنمایی را تجاهی را تجاهی را فاش نمی‌ست
خلیج های تحت ستم در رژیم پلاس خلیج سویس عربستان شد و نیروی هوایی
راد و شام زمینه‌های اقتصادی و نظمی برای حفظ بلدهای شدن عذر یافت
کند ولد این تجاهی‌ها می‌باشد از هر آنکه که تمصیف و
ناخواست این جمهوری‌ها بر می‌داند و در جیسته اقدام کشورهای اولیه
به رهبری ایران و عربستان سعودی در تدبیت بهای نفت در رست
در جیسته بهبود وضع اقتصادی امریکا و برخی از ایالات متحده آمریکا و در جیسته بدلیل کی
از افزایش و خاتمه بحران و قریب است یعنی در جیسته تقویت تجاهیه هر
جمهوری‌تر "سد نیا" در مطالعه اینها این رعایت محدود است. گذشتند پا
هواد ازان شرکت سد نیا اگر رعایت محدود است، گذشتند پا

حملق فلسطین میهن خود را بازخواهد یافت

تکنولوژی وارداتی - عامل انتقاد ملی

را آن اندیشه با پروردگر بسیار باقی ماند و خاموش نهاده شد. این اندیشه همچنان که در اینجا مذکور شد، صادرات ایران میزدهد. صادرات صنعتی "جای در راه نفت را تأمین کرد" امروزه از تکمیلی واردات این کلید ازند و از تکمیلی عویضی "ملی" و "تکمیلی عویضی" نهاده است. حرف میزند، چون تکمیلی عویض مناسخ اوضاع و احوال گشوده را نهاده است و از جانب کشورهای صنعتی تحمل میشود. اینرا باید تکمیلی عویض خود را خود بوجود آورد تا رانطبایی باشیا زندگانی جامعه را بایط کشی باشد.

تکلیف‌گردانی که کارهای روزمره‌ای را بر این شیوه حل می‌نماید و خود هم رزمنده متناسب وهم دارد. رفاقت‌الله کتاب‌ورزی برگزینه‌نامه که با فرهنگ و زیستگاه‌های سنتی ایران کوشش وضعیت اقتصادی و سازمان سرمایه‌سازی مهارت‌های موجود از سوی دیگر قضاوت‌پذیر، پروژه‌های انتخابی از ناشیت و روشی لام بخود را مشاهد کرده‌اند (کهان ۱۳۹۷: ۶۰)؛ لیکن در اوقات تکلیف‌گردانی دارد مت این‌الایم. و سیاست امیریها

هم امیرالیوم است . . . و سپهله انتشار خلخال هاست و سپهله ای است
برای حفظ و توزیع ؟ نفوذ رکنگرها یعنی مخفیانه که برای تکامل اقتدار
خود به صنایع غرب نیاز داشتند . امیرالیوم با فروش تکنولوژی بخش
هزاری از راه آمد می کشیده ارامین ایامیان را همچون هنر حال کوشیده ایشان
بخود و استعفی سازد . بعلاوه امنیت آن تکنولوژی ای ایمپرو شد کدر
انطباق با منافع او است . و نهان را کرد و انطباق با نیاز داشت بهنای جامعه
ماست .

کارخانه تراکتورسازی تبریزه ماربی او آئست. کشیرما بمالت
و چون تولید کرکج ر کنایه نهاد، اتفاق آمد این راهنمای مائین رود راهات و
بین راهات و شهرها قدرت جذب مخصوصاً این کارخانه را اندارد.
در مواد سیاری نیز بحلت نورون قطعات بد کی عدم توانائی
تعمیر آن وقفت اند. اگرگون ماهر کسی رفته برازی خود تراکتور شناس
نمی‌هد. بهینین چیز هنرمند طایفه ای را خواهد حفظ مشهود است
اگر عکنده که در ایران تراکتور ساخته مشهود (در واقع مونتاژ می‌شود) بر
بنای مکاریش "کمیته" امور صنایع کمیسیون شاھنشاهی "بعلت قیمت
نازل" محصولات تکابیزی صراحتی و کوچکی زمین های زراعی کشاورز
از خود تراکتور استفاده نکردند.

روشن است که این کارخانه را نظریه‌ای یا نیازمندی مانتکامل اقتصاد مانیست. وضع کارخانه‌های دیگر نیز بر همین منوال است.

اگر کارخانی اینها با خاطر نموده بک پیغام برداشت
با زبان و توارد شدن چنین وسائل ایند از ایجاد تنشی آسرا
برآمده است و ادامه کاریت واحد عظیم مستحب دیگری وارد است
مقارجی را کنیت یا مواد شیمیایی غیره باشد و همچنین برای موتنا
پارهای اتصحولات بهترین وسائل و حتی مواد اولیه‌ان را ایجاد واردا
شون و مانع وظیفه سفت کردند از جراحت و تغییر شکل این صورتیهای
ظاهری را استخاشمند از اختمام وارد نشدن قطعاً تهدید کی فراموش
کنند و این دری و این دری، مزارع و مجتمع های صبور قبرستان لائمه می‌باشند

سالها است انشا و مولید کو های تبلیغاتی نیش فراز می کشند که در پرتوی ایران صنایع طبیعی بکار افاض اینکه اینگالی این زمان به جای راتولید می کنند و ایران کوچار یکدیگر رتوولید مقولات صنعتی د روزی خود کفایت است. اما همکنین بین اینست و مید بید کامیان صنایع عظیم چیزی جز شعوب شکر کهای بزرگ امپریالیستی در زیر این نیست. شعبه کما زشارابط محلی سپارا مساعد و تسهیلاتی که همیز خواص شاه را اختیا آشنا می کند از برای تجهیز سود های کلان استفاده می کنند. همه مک

میدید که این «منابع عظیم» هیچگاه امداد انتطباق یاباندازند بهسازی
جامعه نماینده این امیری است. همچنانکه مکتبی که در آن
شعبه از «منابع رارکشواران اثرگذشت»، همچنانکه میدید که آن «منابع
عظیم» فقط صنایع مواد تراویز و کلید گرد ترازیها را ساخت خود را رکب که
امیری است و هر موقع که منافیان ایجاد کرد میتوانند آنها را
به بیانهای کوتاه‌تر بخواهانند. همچنانکه میدانست که این «منابع
عظیم» نعمت‌های را که تکمیل‌پذیر امتحنی پیکر بلکه همان صادرات
محصولات سنتی را هم از گرفت، نعمت‌های را که این را مکتبی ایران میکنند که
امیری است که نکاست بلکه این ولایتکنی را شدید کرد. ونه تنها از اتفاق
میان کشیروان و کشیروانی پیشتر فهم کنم نکرد بلکه برآن اغور و
اینها همچرا زیارت امیری ایسم بزم خوشبذرگان، اینها همه از
خصوصیات کشوری ایست که تحت استهلاک کامل امیری ایسم قرار اراده.
امیری ایسم هرگز به چنین کشوری اجازه و امکان نخواهد داشت اگر که

صنایع مستقیم ایجاد کرد، بازارهای اخیر را آن پیکر و در زارهای خارجی رهیب آن کردند. با وکوئی های شاهه در چهار گزین کردند و نهاد پانچمهون صنعتی بجا نهشت جزو رفع و قوی بکاری شاهانه نهشتند.

د پیش سال پیش تابستانه مادر، روحانی های اسلام انگلستان رکتند؛ تا هرگز تحلیل نخواهیم کرد که مستعمرات مادر اسلام کارکارا های باشند. ایجاد کردند که با کارکارا هایی ساخته شده در سرزمین مارقات است که امروز هم امیریه اسلام از همین اصل پیروی می کند این خصلت امیریه اسلام در راه را با حوالوں گزینی، در راستی کشیدن بمحاجران مزمن و نهاد ای اکساز ای کشورهایی صنعتی را ایرسکستن کشانیده، به کاری های اسلام اینگلستان را نیز جانمه و در آستانه تحقیل بزرگ قرارداد داشتند؛ بر زبانی که برای هم یا بین خشیدن بمحاجران رفع بکاری، برای رفع کسری های از این نهاد آنها خود هرگز رضی منتنی خلا شریک نشدند. مرچی بجهش تراویز رو هر چشم و شوارد کرد و در نتیجه سیاست جلوگیری از ازدرا و احتیاط از ایجاد این اخلال کمک به سیاست این کشورهای دشمن شد، آری، رژیمی های شرایطی امیریه اسلام نهی از این بکاری که بر آن سلطنت است امکان دهد با ایجاد صنایع مستقل به خوبی بازآرا و شجاع و لذت داشتند. تجربه ای این اسلام به اندانه کافی آموزند ماست.

روشنگری اقتصادی ایران، وابستگی آشکار اقتصاد عظیم کشورهای شرقی های خارجی به جنبات روزمره، کشورهای صنعتی نیمه های شمالی را برانگیختند. اخیراً روابط ایران مخن ارتکولوزی غرب بیان می آید، مقالاتی در رابین زندگی نگاشته شدند که سینارهایی برکاری می گردند، مذکول این هیا هوبرستکولوزی به این شکل تفاوت اساسی دارد؛ اگر رک شتمه های امور ایجاد کردند تکنولوژی غرب بودند تا بایکن آن کشورهای صنعتی کشند و تولید ای صنعتی

بدعت در نامگذاری

نور است. چون آمکان حزب کومیتست دهستان تاکدیک تایید می شود و این نیازی بر دارد. رانکارک ایرانی حزب طبقه کارگر است. شاید گفتند که این نام خواسته اند بگویند که عرب اختصار پدرا کرگان که از در همان نیزه زبانه اند. آن سیاست بد اگند. و اینصورت چوار و شنگران. مارکسیست از اطمینان فخر ماست؟ آنها آنها حق خوبی دارند. راین حزب راند ارند؟ جراد هفستان و لور فوجه روز ایری کوچک دارد که بالا خود روز مرده دهستان اند حق خصوصی راین حزب را دارند. ولی بیک گارند شفیرت ون پایه یا بیک آمریکا راهنمایی زنین حق میروند است.

پیمانه از پیرامون حرب احیا شده طبقه نازدیر اندر از تهدید سا
سینه بند چکوت گوئن مطلع کن من اید .
لاین نام الناطق که حاکم ایشونه تفکر الناطق است گویا
در تکریه حرب تصمیم گرفته شد نیست !

نام "حزب کمونیست" خود حاکم ازاینست که حزب سلطنتی طبقه" کارگر، متعلقی به کارگران است و این نام را مارکس و انگلیس برای احزار کارگری برگزیدند. از آن پس همه حاکزب کمونیست مترادف با حزب طبقه کارگر است. بنابراین نام حزب کمونیست بمعنی ایشان برابر حزب طبقه کارگر ایران کافی است.

اما وعده بنام حزب کمونیست ایران "مازو" کارگران اضافه شد و از آن "حزب کمونیست کارگران" بیرون می آید نامگذاری صورت صحیح خود را می دهد چون حزب کمونیست بعنوان حزب طبقه" کارگر" حزب کمونیست کارگران" یعنی "حزب طبقه" کارگر کارگران" اند کی مضمون بمنظور مرسد و این اند شد راهم به مغز خطیر مید ده که طبقات را پکنند و میتوانند حزب کمونیست خود را استخوابند.

هنگامی که بد نیال کارگران بر هفقاتان غمی آید و پیکنیوبلی

شماره ۱۲۳ وروده سوم
تیرماه ۱۳۰۷
سالمندی ۱۹۷۸

پاسخ سفیجانہ

برمقابلۀ شمارۀ اول "ارگان" حزب بازان "باشادی تسام
من" و "اجیا" حزب رادر و عرضه ایران "باطلایخ خواندن کان و هوواران" خود "میرسانید یعنی حزب طبقه کارگر آجیا" شد ماست، در
ناید این آجیا بمقابلۀ چند سطوحی را بر تکوینیست های ایران را
موظف میدارد که "جوانان انتلا" پی را بد و بزچه حزب و مشی اصولی
و انتلا آن "حول بیرون هزاره" انتلا آن و تبدیل از نور قهر آمیز
تند مای تخت رهبری حزب گرد آورند "کمی دیورت" زحقانیست
شمغارها و زبانه "ما" (یعنی حزب) بین یعنی جای اورد
پرسیده و پیشود چه "مشی اصولی و انتلا" پی را حزب اراده خواهد
که اماست بزم نام و اساسنامه ای که حزب برای خود دند من کرد ماست
از حقانیست که اند شعراها و برآن محسن بیرون د را سیخ این شوال
ابتد اشمارا به سند ه سال پیشی سازمان توقان "وطلاق فرو" و همیز
مارکیست - لینینیست های ایران "راجح مسید هند" اما این سند
قبل از هر چیز و طبقه "اجیا" حزب رادر بر برآورده را کنیت لینینیست ها
میگذرد. حزب بازان و طبقه "اجیا" حزب را پایا پایان بخشدید ماند!

و درست همین "حزب احیا‌نشد" به برناهه و اساسنامه نیاز نداشت از ده
به شماره‌های کنونی کنند و موضع گفتوی پاشد نیاز نداشت. کجا است
آن برناهه، اساسنامه و شماره‌های کذا حقایق آنها صحبت نمی‌شود؟
در رجوا بر رعیانتند ولی به رسوای خود کاملاً اتفاق نمی‌کنند،
باشیم کوئیند "طرح برناهه و اساسنامه حزب طبقه" کارکرده‌اند که
توسط سازمان توفان تدبیر شد و عورت بخت تکمیلیه رفتا فراز کفرست
الهام بخش فعالیت و تبلیغات توفان در بعدت حیات خوبی شود و
است "منظور از این غارت پیماعی چیست؟ از آنها می‌پرسید برناهه
و اساسنامه حزب کدام است می‌کوئیند "طرح برناهه و اساسنامه جزوی
طبقه" کارکرده‌اند "الهام بخش فعالیت سازمان توفان بود ماست،
خوب این امریه "حزب احیا‌نشد" چه مربوط است؟ کجا این
حوال با مشمول می‌خواند؟ شاید از این بیرونیات بخواهد بگویند
که همان "طرح برناهه و اساسنامه حزب طبقه" کارکرده‌اند "برناهه و
اساسنامه" مربوط کنمیست کارکردن و هفتمان ایران ۳۱ م است، خوب
چرا "کفر" آنرا اعلام نکرد؟ برناهه و اساسنامه که آنرا در اختیار
مکرره بود اعلام آن هم که انتکالی نداشت، چه جیزی "کفر" را
ایران کارکرده است؟

چند سطر بعد شماره از استیاه بیرون می آورند و عدد هد
که استان علیقی برنامه و اساسنامه حزب چیزی که شد به استان میر
اگرچنان است باز هم "کنگره" لا افول و کلمه میا و کلمه کنگره معاوی است
تعمییس شده و بعد از راحتیاری عموم فراخواهد گرفت، صنایع ایز
کلمه "کلینی" توجه کنید، استان علیقی برنامه و اساسنامه بدین معنی
است که برای برنامه و اساسنامه استان مخفی (۲) هم تهیه شده
که لابد را اختیار از ایمان بهتران "فرارخواهد گرفت!
این ندانم کارها نشانه چیست؟ نشانه آیست که چند تن
بی بهره از رک حزب و مبارزه سیاسی در راتاقی جمع آمده به مردم را
"کنگره" نامیده اند، نشانه ایکه این دید و که این ایمان ایمان

نشریات جدید توفان

میانی ماتریالیسم تاریخی (جزوه پنجم) نشریه شماره ۳۲
سازمان توفان هست و میرزید

استنادی چند روزه تئوری حد اتفاقی سعدناها و
در افنا منشویگاهی مطربوی از سازمان توفان

نتیج حالت اختصار استالین (جایا دوم)
نشریه شماره ۷

وحدت نیروهای واقع‌مازنقلابی بیش از هزار دیگری ضروری است